

## گفتار سوم ترتیب تقدّم کارمندان دیپلماتیک

در حقوق دیپلماتیک و کنوانسیون ۱۹۶۱ فقط رؤسای نمایندگیهای دیپلماتیک مورد طبقه‌بندی قرار گرفته و مقام و تقدّم آنان تعیین گردیده است. در مورد اجزای نمایندگیها، قوانین داخلی کشورها مقام و تقدّم آنان را تعیین می‌کند. با این که در قوانین کشورها در این زمینه ممکن است تفاوت‌هایی دیده شود، ولی، در عمل یک تشابه کلی در تقسیم‌بندی کارمندان دیپلماتیک نمایندگیها وجود دارد و آن تقسیم آنان به سه گروه: رایزنان، دبیران و وابستگان است.

در ایران، «قانون امور تشکیلاتی و استخدامی وزارت امور خارجه» (مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۲ و اصلاح ۱۳۵۱/۱۲/۶) به این موضوع پرداخته است. بنابر فصل دوم (ماده ۲۲) قانون مذکور، تحت عنوان «مقامات سیاسی» چنین آمده است:

«مقامات سیاسی [دیپلماتیک] وزارت امور خارجه به قرار زیر است:

۱- وابسته ۲- دبیر سوم ۳- دبیر دوم ۴- دبیر اوّل ۵- رایزن درجه سه ۶- رایزن درجه دو ۷- رایزن درجه یک ۸- سفیر.»

غیر از سفیر که رئیس نمایندگی است و درباره او بحث شد، از نظر تشریفاتی نظم تقدّم سایر مقامات چنین است:

● رایزنان: از نظر مقام و تقدّم تشریفاتی، رایزنان بالاترین گروه از کارمندان دیپلماتیک هستند. به زبان فرانسوی رایزن را Conseiller و به انگلیسی Counsellor می‌گویند.

رایزنان خود به سه گروه تقسیم می‌شوند که به ترتیب تقدّم، نخست رایزنان درجه یک و سپس رایزنان درجه دو و درجه سه، قرار دارند. رایزن درجه یک اگر ریاست یک نمایندگی مستقل گردد به او عنوان وزیر مختار (Ministre) داده می‌شود.

بعضی از رایزنان درجه یک که در یک نمایندگی زیر دست سفیر کار می‌کنند برای این که از عنوان «وزیر» استفاده برده باشند به خود عنوان Ministre Conseiller می‌دهند که در فارسی معادلی به این مفهوم ندارد.

سابقاً، در زبان فارسی برای «رایزن» اصطلاح «مستشار» به کار می‌رفت.

● دبیران: پس از گروه رایزنان، گروه دبیران در رده‌بندی کارمندان دیپلماتیک قرار دارند. به زبان فرانسوی دبیر را *Secrétaire* و به انگلیسی *Secretary* می‌گویند.

دبیران نیز از نظر مقام و تشریفات تقدم به سه دسته تقسیم می‌شوند که به ترتیب، نخست دبیر اول سپس دبیر دوم و دبیر سوم می‌باشد.

در زبان فارسی، سابقاً «دبیر» را «نایب» یا «منشی» سفارت می‌گفتند.

● وابسته: مقام «وابسته» که گاه به آن «وابسته دیپلماتیک و گاه «آتاشه سفارت» گفته می‌شود پایین‌ترین درجه از مقامات کاربری دیپلماتیک است و اصولاً این مقامی است که به یک عضو حرفه‌ای در آغاز ورود به رسته دیپلماتیک داده می‌شود.

به زبان فرانسوی «وابسته» را *Attaché* می‌گویند و این اصطلاح عیناً در زبان فارسی و انگلیسی نیز بکار می‌رود.

«وابسته» تنها یک درجه است و تقسیمات جزئی ندارد، و اما کسانی که «وابسته تخصصی» نامیده می‌شوند، علی‌رغم تشابه اسمی، دارای وضع متمایزی هستند که درباره آنان بعداً توضیح داده خواهد شد.

\*\*\*

بنابر آنچه گفته شد، نحوه تقدم فردی یک دیپلمات در جمع دیپلماتهای مقیم در یک کشور، (صرفنظر از تعلق به نمایندگیهای مختلف) به ترتیب زیر است:

- ۱- مقدم‌السفراء
- ۲- سفیر
- ۳- وزیر مختار
- ۴- کاردار دائم
- ۵- کاردار موقت
- ۶- رایزن درجه یک
- ۷- رایزن درجه دو
- ۸- رایزن درجه سه
- ۹- دبیر اول
- ۱۰- دبیر دوم
- ۱۱- دبیر سوم
- ۱۲- وابسته دیپلماتیک

در کلیه مراسم و تشریفات رسمی که گروه‌های مختلف از دیپلماتهای چند کشور حضور دارند، رعایت نظم فوق در مورد فرد فرد آنان الزامی است.

### بخش هشتم: تقدم کارمندان دیپلماتیک در داخل هر نمایندگی

تقدم در داخل نمایندگی، نظمی است براساس سلسله مراتب که بین مأمورین دیپلمات در یک سفارت برقرار است.

در کنوانسیون روابط دیپلماتیک، طی ماده اول، اعضای هر نمایندگی، بر حسب مقام و سمت خود به چهار درجه تقسیم می‌شوند:

۱- رئیس نمایندگی

۲- کارمندان دیپلماتیک

۳- کارمندان اداری و فنی

۴- کارکنان (خدمه)

غیر از رئیس مأموریت که وضع و مقام او در ماده ۱۴ کنوانسیون تعیین شده است، در مورد کارمندان دیپلماتیک و سایر اجزای نمایندگی، کنوانسیون ساکت است و به عبارت دیگر تقسیم درجات کارمندان دیپلماتیک به دولتها واگذار شده و بنابراین ترتیب تقدم آنان تابع قوانین و مقررات دولت فرستنده است و نظرات رئیس مأموریت هم در بعضی تغییرات در داخل هر گروه می‌تواند مؤثر باشد.

با این که دولتها در اعطای مقام و درجه‌بندی مأموران دیپلماتیک خود آزاد هستند ولی در عمل و برحسب ضرورت، این تقسیم‌بندی در کشورهای مختلف به صورت یکسان در آمده است و عموم کارمندان دیپلماتیک بر سه گروه تقسیم می‌شوند: رایزن، دبیران و وابستگان.

چنانکه گفته شد، این تقسیم‌بندی در «قانون تشکیلات استخدامی وزارت

امور خارجه» (مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۲ و اصلاح ۱۳۵۱/۱۲/۶) طی

فصل دوم، ماده ۲۲، پذیرفته شده است.

رایزنان و دبیران و وابستگان که عضو وزارت خارجه هستند و حرفه دیپلماتیک دارند، از نظر درجات و تقدم، وضع معین و ثابت دارند، ولی، وابستگان تخصصی که با عنوان دیپلمات به نمایندگیها اعزام می‌شوند وضع متغیر داشته و مقررات مربوط به آنان در کشورهای مختلف متفاوت است.

بطور کلی، نظم تقدم مأموران دیپلماتیک در داخل نمایندگیهای دیپلماتیک به ترتیب زیر است:

۱- رئیس نمایندگی

۲- نفر دوم نمایندگی

۳- نفر سوم نمایندگی

۴- سایر کارمندان

دیپلماتیک ۵- وابستگان تخصصی  
در پایان فهرست اسامی اعضای نمایندگیهای دیپلماتیک اینک، هر یک از این درجات،  
از نظر تقدّم در داخل نمایندگی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### گفتار اوّل رئیس نمایندگی

در هر نمایندگی دیپلماتیک، رئیس مأموریت مقام اوّل را دارد و مقدم بر همه اجزاء  
است. ماده ۱۴ کنوانسیون روابط دیپلماتیک که رؤسای نمایندگیها را بر سه طبقه تقسیم  
کرده است تأثیری بر نظم تقدّم داخل نمایندگیها ندارد.  
در هر نمایندگی، رئیس مأموریت، خواه سفیر یا نونس و یا وزیر مختار باشد که هر  
یک نماینده رئیس کشور خود است و خواه کمیسر عالی که نماینده زمامدار دولت است  
و خواه کاردار دائم که نماینده وزیر خارجه می‌باشد، همگی از احترام برابر برخوردار  
هستند و در صدر لیست تقدّم در هر نمایندگی جای دارند.

### گفتار دوم نفر دوم در نمایندگی

نفر دوم نمایندگی به کسی اطلاق می‌شود که در صورت غیبت رئیس خود، با عنوان  
«کاردار موقت» امور نمایندگی را اداره می‌کند.  
با اینکه از نظر مقام، قیدی برای نفر دوم نمایندگی نیست ولی او باید اصولاً از نظر  
مقام بلند پایه‌ترین اجزای نمایندگی بوده و علاوه بر این لازم است که کاریر دیپلماتیک  
داشته باشد. در ماده ۱۹ کنوانسیون، طی بند دوم چنین آمده است: «در صورتی که هیچ  
یک از کارمندان دیپلماتیک نمایندگی در دولت پذیرنده حضور نداشته باشد، یکی از  
کارمندان اداری و فنی می‌تواند، از طرف دولت فرستنده با رضایت دولت پذیرنده امور  
جاری اداری نمایندگی را انجام دهد.» این مورد استثنائی است.  
نگارنده در نخستین مأموریت خود، در مقام دیر سومی، که از پائین‌ترین

مقامهای دیپلماتیک است، به دلیل این که تنها عضو سفارت در ریودوژانیرو بودم، سمت نفر دومی نمایندگی را هم داشتم و حتی مدت چندین ماه، در فاصله عزیمت سفیر و ورود سفیر جدید، کارداری موقت نمایندگی در برزیل را عهده‌دار بودم.

نکته قابل ذکر در این زمینه این است که تقدم نفر دوم بر سایر اجزای نمایندگی، دلیل بر این نیست که رئیس مأموریت، در صورت غیبت، به اجبار او را برای کارداری موقت به وزارت خارجه دولت پذیرنده معرفی نماید. انتخاب کاردار موقت تابع مقررات کشور فرستنده است و انتخاب «کاردار موقت» از طرف سفیر هم انتخاب دولت پذیرنده به شمار می‌رود. با اینکه، تقدم نفر دوم نسبت به سایر اجزاء، از نظر منطقی به او حق می‌دهد که در غیبت رئیس خود، نامزد کارداری موقت باشد ولی ممکن است رئیس مأموریت این جانشینی را مصلحت نداند و فرد دیگری را از مرکز و یا نمایندگی دیگر طلب کند تا اداره موقت نمایندگی را بر عهده گیرد. این روش در نمایندگیهای ایران سابقه داشته و طبعاً موجب ناخشنودی نفر دوم و منشاء اختلافات در داخل سفارت گردیده است.

## گفتار سوم

### نفر سوم نمایندگی

نفر سوم سفارت در نمایندگی جز تقدم بر سایر اجزای زیردست خود امتیازی ندارد و فقط در مراسم تشریفاتی پس از رئیس و نفر دوم نمایندگی در جای سوم قرار می‌گیرد. و اما علت ذکر این مقام به طور جداگانه، این است که در مقررات بسیاری از کشورها، از قدیم مرسوم بوده که وابسته نظامی - که معمولاً با لباس اونیفورم با تمام نشانها و تزئینات در مراسم و تشریفات شرکت می‌کند - برای اینکه جای مقدم و چشمگیر نسبت به سایر اجزای سفارت داشته باشد، در فهرست تقدم نمایندگی جای سوم به او داده می‌شود. مع ذلک این قاعده کلی نیست و عمومیت ندارد.

## گفتار چهارم سایر کارمندان دیپلماتیک

در رده دیپلماتهای حرفه‌ای، پس از رئیس به ترتیب رایزنان درجه یک و درجه دو و درجه سه و سپس دبیران اول و دوم و سوم جای دارند و در مرحله آخر وابسته دیپلماتیک است.

در تعیین ترتیب تقدم رایزنان و دبیران و وابستگان، اصولاً سابقه آنان در آن مقام در نظر گرفته می‌شود و نه تاریخ ورود آنان به محل مأموریت. دلیل هم این است که اگر برای مثال، رایزن یا دبیری که دارای سابقه زیاد است وارد محل مأموریت شود و زیردست کسی که هم مقام اوست قرار گیرد و با رسیدن موعد، ارتقاء مقام پیدا کند، در این صورت باید فهرست تقدم تغییر کند و او بالاتر از کسی که زیردست او بوده است جای گیرد و این منطقی نیست. و اما اگر دو نفر در یک تاریخ به مقامی نایل شده باشند، تاریخ ورود به محل مأموریت می‌تواند مأخذ تقدم قرار گیرد.

آنچه در اینجا گفته شد درباره کارمندان دیپلماتیک حرفه‌ای (کاربری) وزارت خارجه بود، ولی گروهی دیگر از وابستگان (و یا رایزنان) هم هستند که در هر نمایندگی ممکن است مأموریت یابند و از نظر ترتیب تقدم، دارای وضع خاصی باشند. وضع این وابستگان که به آنان «وابستگان تخصصی» گفته می‌شود، نیاز به توضیح بیشتر و جداگانه دارد.

## گفتار پنجم وابستگان تخصصی

وابستگان تخصصی مأمورانی هستند که عضو وزارت خارجه نبوده و دیپلمات کاربری نیستند ولی در نمایندگیهای دیپلماتیک تحت پوشش دیپلمات انجام وظیفه می‌کنند.

این وابستگان را نباید با «وابسته» سفارت که در بالا ذکر آن رفت و چون کاربری هستند و در نمایندگی اشتغال دارند، به آنان «وابسته دیپلماتیک یا سیاسی» گفته

می شود، اشتباه کرد، زیرا آنان عضو وزارت خارجه هستند و جزء کادر دیپلماتیک حرفه ای می باشند.

در گذشته، خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم، با توسعه وظایف نمایندگیها و تخصصی شدن بعضی مسائل، به مرور مأمورانی از طرف سایر وزارتخانهها و سازمانهای دولتی، بنا بر ضرورت به خارج اعزام شدند تا در مسائل مورد تخصص خود نمایندگیها را یاری دهند و برای تسهیل کار، گذرنامه دیپلماتیک و پوشش دیپلمات به آنان داده شد.

تخصص این وابستگان محدود به موضوعات معین نیست و بستگی به نیاز کشورها دارد. از جمله وابستگان می توان وابسته نظامی (که ممکن است دریائی یا هوائی و یا زمینی جداگانه باشد) و اقتصادی، فرهنگی، بازرگانی، مطبوعاتی، علمی، فنی، کشاورزی، نفتی، مهاجرت، کشتیرانی و غیره ... را ذکر کرد.

نظم تقدم این گروه به نظر مقامات دولت فرستنده بستگی دارد ولی در عرف دیپلماتیک برای این گروه رویه ثابتی پدید آمده است.

در نمایندگیهای ایران در خارج در مواردی به «وابستگان» تخصصی، عنوان «رایزن» داده می شود، مثلاً رایزن نظامی یا رایزن فرهنگی گفته می شود؛ و علت آن شاید در آغاز برای ارج بیشتر نهادن و بالا بردن مقام و عنوان شخصیت های معین و عالی رتبه بوده است که به این سمت گماشته می شده اند.

چنانکه گفته شد در بعضی کشورها، وابسته نظامی مقام سوم را پس از رایزن دوم سفارت در فهرست دیپلماتها دارد و در مورد سایر وابستگان، هر یک در ترتیب تقدم، طبق تشخیص سفیر یا دستور وزارت خارجه فرستنده، بنا بر، رتبه اداری و شغل قبلی و مقام علمی یا فرهنگی که دارد بین رایزنان و دبیران جای داده می شود.

گاه ممکن است یک شخصیت بزرگ علمی یا ادبی یا مقام عالی رتبه دولتی بنا بر ملاحظاتی به عنوان وابسته تخصصی به خارج اعزام گردد، چنانکه در گذشته دیده شده که بعضی شخصیت های فرهنگی ایران با این عنوان به خارج فرستاده شده اند. در این موارد سفیر یا وزارت امور خارجه باید مقام ممتازی در تقدم برای آنان قائل شود ولی در هر حال آنان نمی توانند قبل از مقام دوم و سوم و اگر وابسته نظامی باشد قرار گیرند.

در مورد وابستگان تخصصی اگر در یک ردیف باشند، تقدم آنان بر یکدیگر برحسب

تاریخ ورود به محل مأموریت و آغاز اشتغالشان تعیین می‌شود. در نمایندگیهای کشورهایی که مقررات روشن در این زمینه وجود ندارد، موضوع تقدم بین رایزنان و دبیران سیاسی از یک طرف و وابستگان تخصصی از طرف دیگر، گاه موجب اختلاف شده و دلخوریها و کدورت‌هایی بین اعضاء و رئیس نمایندگی به وجود می‌آورد. بنابراین بهتر است دولت یا وزارت خارجه هر کشور قواعد و مقرراتی روشن و صریح در این زمینه تهیه نماید تا از اختلافات احتمالی جلوگیری شود. موضوع دیگری که در زمینه تقدم داخلی سفارت لازم به یادآوری است، اینکه اگر جلسه‌ای مربوط به یک موضوع تخصصی تشکیل شود، مثلاً موضوعی اقتصادی یا فرهنگی و یا غیره مطرح گردد، در آن جلسه وابسته مربوط نسبت به دیگر وابستگان حق تقدم خواهد داشت و سایرین طبق حق تقدم خود جای می‌گیرند.

### گفتار ششم

## فهرست اسامی اعضای نمایندگیهای دیپلماتیک در کشور پذیرنده

رسم است که هر دولت فهرستی از اعضای دیپلماتیک نزد خود را همراه با اطلاعاتی مربوط به آنان، هر چند ماه یکبار، بطور متناوب به چاپ می‌رساند و بین نمایندگیهای دیپلماتیک و سازمانهای ذیربط توزیع می‌کند. این فهرست معمولاً به زبان فرانسوی یا انگلیسی تنظیم می‌شود.

برای تعیین مقام و تقدم یک دیپلمات در جمع دیپلماتها و همچنین ترتیب تقدم اعضاء یک نمایندگی دیپلماتیک، باید به این فهرست مراجعه کرد.

این فهرست معمولاً در چند بخش به نحو زیر ترتیب داده می‌شود:

● بخش اول - اسامی رؤسای نمایندگیهای دیپلماتیک بر حسب طبقه و تاریخ اشتغال که ترتیب تقدم آنان را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد.

● بخش دوم - ذکر یکایک نمایندگیها با در نظر گرفتن طبقه نمایندگی (سفارت یا وزیرمختاری یا کارداری دائم) با نشانی اماکن و تلفنهای مربوط. سپس اسامی اعضاء دیپلماتیک و سمت آنان و همسر و نشانی منزل و تاریخ اشتغال و شماره تلفن.



- در صورتی که نخست‌وزیر یا وزیر خارجه و یا شخصیت دیگری که مقامی مافوق مقام رئیس نمایندگی دارد، در رأس هیأت فوق‌العاده باشد، رئیس نمایندگی در مقام دوم، بعد از او قرار می‌گیرد.
- اگر ریاست هیأت فوق‌العاده، با یکی از اعضای عالی‌رتبه وزارت خارجه باشد که سابقه‌ای بیشتر یا مقامی برتر از رئیس نمایندگی دارد، در این صورت بهتر است رئیس نمایندگی از نظر نزاکت جای نخست را به او داده و مقدم داشتن او را به تشریفات محل اطلاع دهد.
- چنانچه ریاست هیأت فوق‌العاده در مأموریت ویژه، از جانب رئیس کشور نمایندگی نداشته و دارای مقام وزارت هم نباشد، رئیس نمایندگی دیپلماتیک بر رئیس هیأت فوق‌العاده مقدم خواهد بود.
- هرگاه رئیس نمایندگی مقیم در محل، به ریاست هیأتی که مأموریت ویژه دارد، تعیین گردد، مشاورانیه از رده رؤسای نمایندگیهای دیپلماتیک مقیم خارج می‌شود و در ردیف رؤسای مأموریت فوق‌العاده یا ویژه جای خواهد گرفت.
- در مورد چند هیأت که از کشورهای مختلف، به مناسبتی در کشوری گرد آیند. ترتیب تقدم بین آنها براساس ماده شانزدهم کنوانسیون وین راجع به مأموریت‌های ویژه که عنوان آن «مقررات راجع به ترتیب تقدم» است، تعیین می‌گردد. بنابراین ماده:  
«۱- در صورتی که دو یا چند مأموریت ویژه در سرزمین کشور پذیرنده یا یک کشور ثالث حضور یابند، در صورت فقدان توافق ویژه، ترتیب تقدم مأموریتها براساس حروف الفبای نام کشورها - که در کشور پذیرنده رسماً به کار می‌رود - که در آن سرزمین حضور یافته‌اند، تعیین می‌گردد.
- ۲- ترتیب تقدم دو یا چند مأموریت ویژه که به مناسبت مراسم تشریفاتی یا رسمی در کشوری حضور می‌یابند بر مبنای الفبای معمول و رسمی در کشور پذیرنده انجام می‌گردد.»  
متن ترجمه مأخوذ از کتاب «حقوق دیپلماتیک نوین» از عباس معین‌زاده -  
چاپ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی - ۱۳۷۲ - صفحه ۲۷۹.

### بخش یازدهم: تقدم مأموران کنسولی

«تقدم کنسولی» با اینکه از نظر ماهیت با «تقدم دیپلماتیک» تفاوت دارد، ولی از نظر قواعد و مقررات، وجوه مشترک و مشابه بین این دو وجود دارد. ضمناً با توجه به این که در اکثر کشورها، از جمله ایران، مأمورین دیپلماتیک و مأمورین کنسولی همه عضو وزارت امور خارجه می‌باشند و ممکن است از یک نمایندگی دیپلماتیک به یک پُست

## ۶۶ □ تشریفات دیپلماتیک

کنسولی و بالعکس منتقل شوند، بنابراین لازم است درباره وضع خاص مأمورین کنسولی نیز بطور جداگانه بحث شود.

تقدم کنسولی به مانند تقدم دیپلماتیک در گذشته دارای قواعد معین و مدوّن نبود و دولتهای پذیرنده معمولاً خود مقرراتی درباره آنان وضع و اجرا می کردند و یا طی موافقتنامه های دو جانبه روابط کنسولی موضوع تقدم را بین خود تنظیم می نمودند. کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی که در سال ۱۹۶۳ انعقاد یافت طی سه ماده ۹ و ۱۶ و ۲۱ بسیاری از مسائل مربوط به حق تقدم بین مأمورین کنسولی را حل کرده است. اینک بعضی از قواعد و مقررات که به ترتیب تقدم کنسولی مربوط است و از کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی و عرف معمول و معتبر در روابط بین دولتها نتیجه می شود، در زیر توضیح می گردد:

● ماده ۹ با عنوان «طبقات رؤسای پستهای کنسولی»، آنان را به چهار طبقه تقسیم کرده است:

۱- سرکنسولها

۲- کنسولها

۳- کنسولیاریها

۴- نمایندگان کنسولی (یا عمّال کنسولی)

براساس این ماده هر طبقه نسبت به طبقه بعدی برتری یا تقدم دارد.

● ماده ۱۶ با عنوان «حق تقدم بین رؤسای پستهای کنسولی» موضوع تقدم بین رؤسای پستهای کنسولی را که در یک طبقه هستند و در یک حوزه انجام وظیفه می کند به روشنی معلوم می سازد. از این ماده نکات زیر استنباط می شود:

● - تقدم رؤسای پستهای کنسولی در هر طبقه به ترتیب تاریخ اعطای روانامه است.  
● - اگر رئیس پست کنسولی قبل از دریافت روانامه بطور موقت انجام وظیفه کند حق تقدم او طبق تاریخ پذیرش موقت خواهد بود و این حق بعد از اعطای روانامه محفوظ خواهد ماند.

● - اگر دو یا چند رئیس پست کنسولی در یک تاریخ روانامه یا پذیرش موقت دریافت دارند تاریخ حکم مأموریت یا سند مشابه یا اعلام انتصاب ملاک تقدم خواهد بود.  
● - متصدیان موقت پستهای کنسولی از نظر تقدم بعد از رؤسای پستهای کنسولی قرار دارند و تقدم بین خود آنان ضمن در نظر گرفتن طبقه پست کنسولی، طبق تاریخ اعلام تصدی است.

- - مأموران کنسولی رسمی و کاربری در هر طبقه قبل از رؤسای افتخاری همان طبقه قرار دارند و ترتیب تقدّم بین آنان طبق مقررات بندهای فوق می باشد.
- - رؤسای پست‌های کنسولی بر مأموران کنسولی که چنین مقامی ندارند، مقدم خواهند بود. توضیح این که کنسولی که ریاست یک پست کنسولی (طبقه دوم) را دارد بر کنسولی که سمت نفر دومی را در سر کنسولی دارد، مقدم است.
- ماده ۲۱ با عنوان «حق تقدّم بین مأموران کنسولی یک پست» حق ترتیب و تعیین تقدّم مأموران کنسولی که در یک پست کنسولی کار می کنند را در اختیار کشور فرستنده قرار داده است. فهرست ترتیب تقدّم اعضای پست کنسولی را نمایندگی دیپلماتیک به مقامات مربوط دولت پذیرنده تسلیم می کند و در صورتیکه نمایندگی دیپلماتیک نباشد، رئیس پست کنسولی این تقدّم را به مقامات وزارت خارجه دولت پذیرنده اعلام می کند. علاوه بر آنچه گفته شد و از کنوانسیون روابط کنسولی استنباط می گردد، نکات زیر درباره نهاد کنسولی، از نظر ترتیب تقدّم، قابل ذکر است:
- با اینکه کنسولها، بطور جمعی، هیأتی را تشکیل نمی دهند، ولی چنانچه به مراسم رسمی دعوت شوند، برای جمیع آنان جایگاه جداگانه‌ای اختصاص داده می شود و معمولاً نباید آنان را با مقامات محلی به طور مختلط جای داد.
- از نظر تقدّم، جای رؤسای پستهای کنسولی در مراسم رسمی، بعد از جای عالی‌ترین مقام حاضر محلی است.
- در مواردی که غیر از رؤسای پستهای کنسولی، اجزای آنها نیز دعوت شده باشند، اجزای هر پست کنسولی با رئیس خود یک جا می نشینند.
- در مواردی که بر سر موضوعات تشریفاتی از جمله ترتیب تقدّم، اختلافی بین مأموران کنسولی کشورهای مختلف پدید آید، مقامات محلی صلاحیت دارند که به اختلاف آنان رسیدگی کرده و طبق تشخیص خود آنرا حل و فصل نمایند.
- در پایتخت‌های بزرگ که معمولاً کشورهای خارجی دارای سفارت و پست کنسولی جداگانه هستند، دیپلماتها مقدم بر کنسولها بوده و در مواردی هم ممکن است تنها از اعضای نمایندگی دیپلماتیک دعوت شود و از مأمورین پست کنسولی دعوتی به عمل نیاید.
- اگر سفارت کارهای کنسولی را هم انجام دهد، در این صورت مأمورین رسته دیپلماتیک که به امور کنسولی اشتغال دارند فعالیت‌های کنسولی آنان در نظر گرفته نمی شود، بلکه با آنان مانند سایر دیپلماتهای عضو نمایندگی دیپلماتیک، مطابق مقامی

## ۶۸ □ تشریفات دیپلماتیک

که دارند رفتار می شود و مشمول مقررات کنوانسیون ۱۹۶۱ می باشند.

\*\*\*

● اگر مراسمی از طرف نمایندگی دیپلماتیک برگزار شود و از سر کنسول یا کنسول (رئیس پست کنسولی) همان کشور نیز برای شرکت در آن مراسم دعوت شده باشد، و ضمناً گروهی از اتباع آن کشور هم در آن مجلس حاضر باشند، در این صورت سر کنسول یا کنسول، به احترام مقامی که نزد اتباع دارد، در ردیف سوم، یعنی بعد از نفر دوم و قبل از وابسته نظامی (اگر چنین مقرر باشد) قرار می گیرد.

● اگر این مراسم، منحصرأ، در حضور اتباع برگزار شود، سر کنسول یا کنسول (رئیس پست کنسولی) بعد از رئیس نمایندگی دیپلماتیک و قبل از نفر دوم، قرار خواهد گرفت.

● «قانون امور تشکیلاتی و استخدامی وزارت امور خارجه» (مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۲ و اصلاح ۱۳۵۱/۱۲/۶) طی بخش اول، فصل دوم، ماده ۲۲ تبصره اول، برابری مقامات دیپلماتیک و کنسولی را به نحو زیر تعیین کرده است:

وابسته	(در نمایندگی دیپلماتیک)	برابر	وابسته سرکنسولی
دبیر سوم	(در نمایندگی دیپلماتیک)	برابر	کنسولیار
دبیر دوم	(در نمایندگی دیپلماتیک)	برابر	کنسول درجه سه
دبیر اول	(در نمایندگی دیپلماتیک)	برابر	کنسول درجه دو
رایزن درجه سه	(در نمایندگی دیپلماتیک)	برابر	کنسول درجه یک
رایزن درجه دو	(در نمایندگی دیپلماتیک)	برابر	معاون سر کنسولی
رایزن درجه یک	(در نمایندگی دیپلماتیک)	برابر	سر کنسول

این فهرست برابری مقامات دیپلماتیک و کنسولی، در تعیین ترتیب تقدم هم به کار می آید.

تابوت با رویوش پرچم کشور متوفی، در محل سرپوشیده، روی پایه‌ای قرار می‌گیرد و حلقه‌های گل و نشانها در اطراف آن قرار داده می‌شود. دسته موزیک احترام آهنگهای عزا می‌نوازند.

در هنگام حمل تابوت، مقامات رسمی شرکت کننده در کنار درب خروج، طرف راست بر حسب مقام می‌ایستند و تا زمان حرکت هواپیما یا قطار در محل خود باقی می‌مانند.

● فوت یک کارمند دیپلماتیک: از تشریفات کمتری برخوردار است.

در بعضی کشورها ممکن است لباس ژاکت و کراوات سیاه و یا لباس تیره لازم باشد. شرکت کنندگان نیز معمولاً نماینده نخست‌وزیر، یکی از رؤسای وزارت خارجه، و معاون تشریفات خواهند بود و مقدم‌السفراء و سفیر و کلیه کارمندان رسمی سفارت مربوط نیز حضور خواهند داشت. بقیه مراسم در حدی کمتر از آنچه گفته شد اجرا می‌شود.

### بخش ششم: تعطیلات

در هر کشور، روزهای تعطیل براساس ایام هفته یا به مناسبت تعطیلات ملی، دولتی، مذهبی و نظامی و غیره تعیین می‌شود. در این روزها کلیه ادارات و سازمانهای دولتی و حتی مؤسسات و بنگاههای خصوصی بسته است.

هر کشور دارای تعطیلات خاص خود می‌باشد، چنانکه تعطیلات کشورهای مسلمان و کشورهای مسیحی به کلی جدا هستند.

اگر قرار شود که نمایندگیهای دیپلماتیک، هم تعطیلات کشور خود و هم تعطیلات کشور پذیرنده را رعایت کنند دیگر وقت چندانی برای فعالیتهای سفارت باقی نمی‌ماند. نخستین مشکلی که در این زمینه هست، اختلاف تعطیل روزهای ثابت هفته بین کشورهای مسلمان و مسیحی است.

در اکثر کشورهای جهان امروز، روزهای شنبه و یکشنبه تعطیل عمومی است که آن را اصطلاحاً تعطیلات آخر هفته Week end می‌نامند، در حالی که در کشورهای اسلامی، از جمله در جمهوری اسلامی ایران روزهای پنجشنبه و جمعه تعطیل است که ریشه مذهبی دارد و تغییر آن جایز نیست، گرچه بعضی کشورهای اسلامی از جمله ترکیه و پاکستان، از روش کشورهای مسیحی پیروی کرده و شنبه و یکشنبه را تعطیل می‌کنند.

اختلاف بین این تعطیلات آخر هفته برای تشکیلات داخل کشور چندان مشکل ایجاد نمی‌کند ولی در روابط وزارت امور خارجه ایران با سایر کشورها و نمایندگیهای

مراسم، جشن‌ها، سوگواریها، تعطیلات □ ۱۲۳

جمهوری اسلامی ایران در خارج، مسأله‌ساز است، زیرا در هفت روز هفته، عملاً چهار روز ارتباط ایران با دنیای خارج قطع می‌گردد.

همین مشکل برای نمایندگیهای دیپلماتیک خارجی در ایران نیز هست، ولی آنها با تعطیل کردن روزهای جمعه و شنبه، این قطع بودن روابط را به سه روز تقلیل داده‌اند. برای حل مشکل اختلاف ایام تعطیل کشورها، تنها راه این است که از میان تعطیلات دو کشور فرستنده و پذیرنده، روزهای مهم را انتخاب و نمایندگی را تعطیل و به جای آن کشیک برقرار کرد.

نگارنده در مقام سرپرستی تشریفات که بودم، تعطیلات نمایندگیهای ایران را در خارج هشت روز و در کشورهای اسلامی ده روز تعیین و به وزیر پیشنهاد کردم. این پیشنهاد که به صورت گزارش در تاریخ ۵۹/۴/۲۳ خطاب به وزیر صادر گردید، روزهای تعطیل در سه گروه تنظیم گردید:

الف: روزهای ثابت در سال

۱- اول فروردین (نوروز)

۲- دوازدهم فروردین (روز استقرار جمهوری اسلامی ایران)

۳- سیزدهم فروردین

۴- بیست و دوم بهمن ماه (روز پیروزی انقلاب)

ب: روزهایی که براساس رؤیت هلال ماه تعیین می‌گردد.

۱- عید مبعث ۲۷ رجب المرجب

۲- عید فطر ۱ شوال المکرم

۳- عید قربان ۱۰ ذیحجه الحرام

۴- عید غدیر خم ۱۸ ذیحجه الحرام

پ: علاوه بر تعطیلات فوق، روزهایی که فقط در کشورهای اسلامی،

نمایندگی تعطیل می‌شود.

۱- میلاد حضرت رسول ۱۷ ربیع الاول

۲- عاشورا ۱۰ محرم الحرام

این گزارش، پس از رؤیت وزیر، چند روز بعد به نگارنده باز گردانده شد.

وزیر در زیر آن نوشته بود «با اصلاحاتی در مجموع مورد موافقت است» منظور از

«اصلاح» خط زدن و حذف روز ۱۳ فروردین بود.

درباره تعطیلات نمایندگیها، چند نکته زیر را باید افزود:

● تعطیلات سالیانه در تقویم ایرانی، و در داخل کشور، بیش از آن است که طی بخشنامه به نمایندگیها ابلاغ شده است. زیرا باید بر آنچه ذکر شده، تعطیلات مهم کشور پذیرنده را هم افزود. مثلاً روز نوئل یا کریسمس (تولد حضرت مسیح) و اول ژانویه (آغاز سال میلادی مسیحی) سایر روزهای دیگری که کلیه تشکیلات اداری و خصوصی کشور پذیرنده تعطیل است.

تعیین روزهای تعطیل کشور پذیرنده در هر نمایندگی، به تشخیص رئیس مأموریت است. ● باید سعی کرد، برپا کردن مراسم و جشنها و عزاداریها، حتی الامکان مصادف با ایام تعطیل نباشد. دلیل این است که معمولاً در این روزها، عدهای از مدعوین مورد نظر، برای استفاده از تعطیل به سفرهای کوتاه و خارج از شهر میروند و بنابراین ممکن است دعوت را نپذیرند و یا در آن حضور نیابند و این موجب عدم موفقیت همایش می تواند باشد. ● در بعضی اعیاد که همراه با مراسم غیر معمول نزد سایر ملل است، باید واکنش محیط و اطرافیان از قبل در نظر گرفته شود.

آتش افروختن و از روی آن پریدن در شب چهارشنبه قبل از عید نوروز برای خارجیان عجیب می نماید و نامفهوم است. همچنین است قربانی کردن گوسفند، در داخل شهر و در ملاء عام در عید قربان، برای کسانی که به این رسم آشنائی ندارند. چنانکه بعضی خارجیان، درباره این گونه اعمال و مراسم، سرگذشتهای نامعقول و عجیب و اغراق آمیز نقل کرده اند. بنابراین بهتر است اگر لازم باشد این قبیل اعمال در زمانها و محللهای مناسب و دور از انظار انجام گیرد.

● عاشورا، روز عزای ملی ایرانیان، (دهم محرم الحرام) از بزرگترین روزهای عزاداری ایرانیان است. این روز در تقویم، برای نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اسلامی تعطیل است.

پس از پیروزی انقلاب، در بعضی نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، رسم است که در شبهای عزاداری، مراسمی دایر بر وعظ و دعا و نماز و غیره برگزار می شود و گاه این مراسم با پذیرائیهائی همراه است. چون این مراسم جنبه اختصاصی داشته و به خارجیان ارتباطی ندارد، مورد بحث در تشریفات نیست. آنچه درباره این مراسم باید گفت این است که این همایشهای مذهبی باید در محدوده نمایندگی و یا در محللهای معین برگزار شود و از گسترش مراسم به خارج از حدود مشخص شده اجتناب گردد تا موجب سلب آرامش منطقه و برهم خوردن آسایش همسایگان نباشد.

هر کشوری برای خود عناوین و نشانه‌هایی اختیار کرده است که در روابط با دولت‌ها و در مجامع بین‌المللی، با آنها شناخته می‌شود.  
در تشریفات، دانستن این عناوین و نشانه‌ها، اهمیت فراوان دارد و بسیار به کار می‌آید.

مهمترین عناوین و نشانه‌ها که به موضوع مورد بحث - تشریفات - مربوط می‌شود و هم در روابط بین‌المللی و هم در مراسم داخلی مورد استفاده است به قرار زیر می‌باشد:  
۱- نام‌ها، عنوان‌ها و القاب رسمی، ۲- پرچم رسمی، ۳- آرم رسمی، ۴- سرود رسمی، ۵- روز رسمی

### بخش اول: نام‌ها، عنوان‌ها، و القاب رسمی

نخستین وظیفه تشریفات، حتی قبل از تهیه فهرست تقدم، فراهم آوردن فهرستی از نام‌ها و عنوانها و القاب رسمی است.

نام‌ها، عنوانها و القاب رسمی، القاب تشریفات را تشکیل می‌دهند، زیرا، در هر نامه، یادداشت، سخنرانی، ضیافت، همایش، مراسم و خلاصه در همه مکالمات و مکاتبات و مخابرات رسمی، نام رسمی، عنوان رسمی یا لقب رسمی به کار می‌آید.

در یک بحث رادیو-تلویزیونی می‌توان از «ایران» سخن گفت ولی در یک همایش رسمی، باید از این کشور «جمهوری اسلامی ایران» یاد کرد. در یک روزنامه می‌توان نوشت «سفارت انگلستان» ولی در یادداشت وزارت امور خارجه باید آنرا «سفارت علیا حضرت ملکه انگلستان» خطاب کرد.

بدیهی است، همه کشورها، مقامات دولتی، وزارتخانه‌ها، سازمانها و ... دارای اسمی هستند ولی اسمی که در بین مردم برای شناختن آنها به کار می‌رود، همیشه با اسم رسمی آنها مطابقت ندارد.

در تشریفات، همیشه با نام رسمی کشورها، مقامات، وزارتخانه‌ها و سازمانها، چه در داخل کشور، چه در کشورهای خارجی و چه در صحنه بین‌المللی، سروکار است.

در زیر مبحث نام‌ها و عناوین و القاب در چهار گفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- نام کشورها، ۲- نام سازمانهای بین‌المللی، ۳- عناوین مقامات، ۴- القاب اشخاص



## گفتار اول نام رسمی کشورها

در نام رسمی کشورها - یا صحیح‌تر گفته شود «دولتها» - معمولاً علاوه بر نام جغرافیائی، عناوین اضافی وجود دارد که نوع حکومت یا رژیم را معلوم می‌سازد، مثلاً کلمات جمهوری، پادشاهی، دموکراتیک، خلقی، ایالات متحده، فدراتیو، کنفدراسیون، شورائی، اشتراکی، امارات متحده، اسلامی، عربی و غیره که هر کلمه گویای مشخصات حکومت است.

نام رسمی ایران، سابقاً در خارج *Gouvernement Imperial de Perse* (دولت شاهنشاهی پارس) بود که بعداً کلمه «پرس که برابر پارس بود» رسماً به «ایران» تبدیل شد و عنوان رسمی آن «دولت شاهنشاهی ایران» گردید.

هنگامی که سفارت ایران در الجزایر افتتاح شد با مباشرت نگارنده، دفتری برای سفارت، با بهای نازل خریداری گردید. تقاضای تلفن شد، ولی مدتها این درخواست بی جواب ماند. یک ایرانی مقیم الجزایر که به دنبال این کار رفته بود به کارمند مربوط مراجعه کرد. کارمند اداره تلفن که احتمالاً تحت تأثیر عقاید سیاسی زمان خود بود - زیرا در آن هنگام دولت الجزایر سیاست چپ و سوسیالیسم را پیروی می‌کرد - با تمسخر و سرزنش از او سؤال کرده بود «تو چرا دنبال کار امپریالیستها می‌آئی؟». وی در پاسخ می‌گوید «ایران امپریالیست نیست». کارمند مزبور، عنوان نامه سفارت *"Gouvernement Imperial de L'Iran"* را به او نشان داده و گفته بود «امپریال بودن نشانه امپریالیسم است، مگر ممکن است «شاه» *Roi* «طرفدار شاه» *Royaliste* نباشد؟!».

پس از پیروزی انقلاب و جانشین شدن رژیم جمهوری به جای رژیم سلطنتی، عنوان رسمی ایران «جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد. این عنوان در فراندم دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ انتخاب شد.

گرچه در زبان فارسی دو نام «ایران» و «عراق» شباهتی با هم ندارند و امکان اشتباه نیست ولی در زبانهای خارجی، املاء این دو نام بهم نزدیک است و در مجامع بین‌المللی

هم که نظم تقدم براساس حروف الفباست، نمایندگان این دو کشور در کنار هم می‌نشینند.

نام ایران (IRAN) و عراق (ایراک IRAK) در زبانهای خارجی شبیه است و این شباهت در موارد متعدد موجب اشتباه خارجیان بوده است. یک مورد آنرا آخرین سفیر شاه در لندن نقل کرده که چگونه سفیر کانادا سفیر ایران را بجای سفیر عراق گرفته بوده است (کتاب خدمتگذار تخت طاووس، ترجمه ج - م - مهرا - سال ۱۳۶۴ صفحه ۳۳).

قابل ذکر اینکه، در مأموریت ریودوژانیرو که بودم، مشکلی با حسابداری وزارت امور خارجه در تهران پیدا کردم، زیرا در زبان پرتغالی - که زبان رایج در برزیل است - (ان) بصورت AO نوشته می‌شود و ایران را IRAO می‌نویسند که شبیه عراق IRAQ است و لذا رسیدهای مخارج که به وزارت امور خارجه می‌فرستادم، مورد ایراد قرار می‌گرفت، به تصور اینکه این رسیدها متعلق به سفارت عراق است، و لازم شد توضیح داده شود و سوء تفاهم رفع گردد.

تشابه نام سایر کشورها با یکدیگر، گاه موجب اشتباه می‌شود. به یاد دارم در معاونت تشریفات که بودم، رئیس تشریفات یکبار سفیر چکسلواکی را خواست و مطالب محرمانه‌ای با او در میان گذاشت ولی بعداً معلوم شد که با سفیر یوگوسلاوی می‌خواست ملاقات کند که اشتباه نتیجه تشابه اسمی بود و البته موضوع مسکوت گذاشته شد.

\*\*\*

به تبع نام رسمی کشورها، عنوان نمایندگیهای دیپلماتیک هم تفاوت دارد. برای مثال نام رسمی چند سفارتخانه که از نام رسمی کشورشان گرفته شد، به زبان فارسی چنین است:

سفارت «جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر»

سفارت «امارات عربی متحده»

سفارت «ایالات متحده آمریکا»

سفارت «علیا حضرت ملکه انگلستان»

سفارت «جمهوری خلق چین»

سفارت «پادشاهی هلند»

سفارت «جمهوری فدراتیو برزیل»

سفارت «جمهوری فدرال نیجریه»

سفارت «سلطنت عمان»

سفارت «دولت کویت»

سفارت «جمهوری سوسیالیستی اتحاد برمه»

سفارت «جمهوری متحده گامبیا»

دفتر مردمی «جماهیری عربی مردمی اشتراکی لیبی»

سفارت جمهوری اسلامی موریتانی

چنانکه دیده می شود، این نامها برای ما نامأنوس هستند و هیچ گاه در محاوره بکار نمی روند، در حالی که در کلیه مکاتبات و تلگرامها و اسناد رسمی باید دقیقاً از آنها تبعیت شود و عدم رعایت آنها نیز غلط فاحش دیپلماتیک به شمار می آید.

### گفتار دوم

## نام رسمی سازمانهای بین المللی

سازمانهای بین المللی و ارگانهای وابسته به آنها و سازمانهای تخصصی که شماره آنها روزافزون است به مانند کشورها، دارای نامهای خاص خود می باشند که فهرست آنها معمولاً در کتابهای حقوقی درج می شود. در نامیدن این سازمانها و مؤسسات نیز باید دقت بکار برد. بارها دیده شده که مقاماتی که با روابط بین المللی سروکار دارند به عنوان دقیق این اسامی توجهی نکرده اند، مثلاً «سازمان ملل متحد» را «سازمان ملل متفق» نامیده اند و یا بجای «ملل» کلمه دول را به کار برده اند. این سهل انگاری در کاربرد لغات تا حدی است که دیده می شود در ترجمه متن مهمی مانند «میثاق جامعه ملل» غلط فاحشی مانند جانشین کردن کلمه «داوری» بجای «دادگستری» وجود دارد.

در زبان فارسی حکمیت (یا داوری) برابر Arbitrage و قضاوت (یا دادگستری) برابر Justice به کار رفته و می رود. مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ میثاق جامعه ملل نیز مؤید این نظر است. حال با قبول این نکته معلوم نیست چرا در ماده ۱۳ بند ۳ و ماده ۱۴ میثاق جامعه ملل نام Cour Permanente de Justice Internationale به «دیوان داوری دائمی

بین‌المللی» ترجمه گردیده است، در حالی که می‌بایست به اصطلاح آن روز «دیوان دائمی قضاوت بین‌المللی» ترجمه می‌شد.

(برای توضیح بیشتر در این زمینه به «نشریه وزارت امور خارجه» دوره سوم، شماره ۲ - صفحه ۷۲، مقاله «فقر لغوی است یا سهل‌انگاری» از نگارنده، رجوع شود).

مشکلی که در مورد نام رسمی سازمانهای بین‌المللی وجود دارد این است که کلمات اسامی رسمی سازمانها حذف می‌شود و به جای آن حروف اول کلمات جانشین می‌شود و جز با دانستن سوابق و آشنائی کامل نمی‌توان آنرا شناسائی کرد.

### گفتار سوم

## عناوین مقامات رسمی

افرادی که دارای مقامات عالی و پست‌های رسمی در کشورها هستند. غیر از نام دارای عناوین مخصوصی که وابسته به مقام و سمت و شغل آنان است، می‌باشند. نام‌ها و عنوان‌های رسمی در موارد متعدد و مختلف، در روابط بین‌المللی لازم می‌شود. مثلاً نام و عنوان رئیس یک کشور، در صورتیکه رئیس کشور دیگری بخواهد تلگرام‌های تبریک یا تسلیت بفرستد و یا نامه و یا پیامی ارسال دارد، مورد نیاز می‌باشد. در این مناسبت‌ها نیز معمولاً مقامات خارجی برای احتراز از اشتباه به سفارت مربوطه و یا تشریفات مراجعه می‌نمایند. بنابراین هر نمایندگی دیپلماتیک باید فهرست نام‌ها و عناوین و القاب مقامات کشور خود را داشته باشد.

بیاد دارم، هنگامی که معاونت تشریفات را داشتم، تلگرامی از یک کشور نوبنیاد آفریقائی رسید و دست بدست گشت، زیرا در آن پس از ذکر نام و عناوین شاه سابق او را به عنوان «رئیس جمهور ایران» خطاب کرده بودند که ترجمه آن چنین بود: «اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی رئیس جمهور ایران».

نام‌گذاری این کشورها و کاربرد القاب مقامات، موضوع ساده‌ای نیست که بتوان بدون توجه به اهمیتی که دارد، از آن گذشت. مسأله نام و عنوان و لقب رسمی صرفاً لفظی نیست بلکه بمانند سایر موضوعات تشریفاتی، جنبه نمادین دارد و اشتباه و یا عدم

رعایت آنها گاه مشکلات بین‌المللی بوجود می‌آورد.

پادشاه ایتالیا، در دهه ۱۹۳۰، پس از تصرف حبشه (اتیوپی) و پس از فرار کردن هیلاسسیلاسی (امپراتور حبشه) عنوان (امپراتور اتیوپی) را بر عناوین و القاب خود افزود. بسیاری از کشورها که تصرف اتیوپی را از طرف ایتالیا به رسمیت نمی‌شناختند، این عنوان را برای پادشاه ایتالیا نمی‌پذیرفتند و این مشکل هنگامی ظاهر شد که سفیران خارجی که استوارنامه‌شان می‌بایست خطاب به پادشاه ایتالیا (با تمام عناوین و القاب رسمی) باشد نمی‌خواستند عنوان «امپراتور اتیوپی» را ذکر کنند، زیرا پذیرفتن چنین عنوانی، در حقیقت شناسائی تصرف اتیوپی از جانب ایتالیا تلقی می‌شد. به همین دلیل هم بسیاری از کشورها از اعزام سفیر خودداری کردند و مدتها امور سفارت توسط کارداران موقت انجام می‌شد.

\*\*\*

برای سفیران، در گذشته، معمولاً عناوین «فوق‌العاده Extraordinaire» و «تام‌الاختیار Plenipotentiaire» به کار می‌رفت، دلیل هم این بود که این سفیران برای انجام مأموریتی، یک بار «بطور فوق‌العاده» در رأس هیأتی به خارج می‌رفتند و چون پس از عزیمت ارتباطاتشان با مبدأ قطع می‌شد به آنان اختیارات تام داده می‌شد (با عنوان «تام‌الاختیار») تا طبق دستورات قبلی مذاکراتی را انجام داده و معاهداتی را منعقد کنند و سپس به کشور خود باز گردند.

ولی امروز، سفیران که در رأس نمایندگی‌های ثابت تعیین می‌شوند، «فوق‌العاده» نیستند؛ بلکه برای مدتی معلوم و بطور مداوم و ثابت ریاست یک نمایندگی به آنان واگذار می‌شود و از نظر دولت خود «تام‌الاختیار» هم نیستند زیرا، با وسایل پیشرفته ارتباطی، دائماً با وزارت خارجه کشور خود در تماس هستند و دستور می‌گیرند.

اگر خواسته شود که از عنوان «فوق‌العاده» استفاده شود، باید آن را در مورد فرستادگان ویژه، در مأموریت‌های فوق‌العاده یا ویژه، به کار برد که مشمول کنوانسیون ۱۹۶۹ هستند و تا حدودی در قلمرو خود از «اختیارات تام» نیز برخوردار می‌باشند.

گرچه در مورد اینان هم دیگر کاربرد عناوین فوق‌منسوخ گردیده است. با اینهمه، باز بعضی کشورها و خصوصاً بعضی سفیران در استفاده از عناوین «فوق‌العاده» و «تام‌الاختیار» اصرار دارند که باید به ناآگاهی و یا پای‌بندی به سنت گذشته حمل گردد.

در روزنامه همشهری - تاریخ ۶ اسفند ۱۳۷۱ این خبر آمده بود:

«به پیشنهاد دکتر ولایتی وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهوری، دکتر نصرالله کاظمی کامیان، به سمت سفیر فوق العاده و نماینده تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران در هلند منصوب شد.»  
در حالی که تصور نمی‌رود در این مورد، مأموریتی خاص و فوق العاده با اختیاراتی بیشتر از سایر سفیران جمهوری اسلامی، منظور بوده است.

### گفتار چهارم القاب اشخاص

در کشورهای اروپائی، در گذشته و در بعضی کشورهای سلطنتی، هنوز، عناوین و القابی اعطائی و موروثی وجود دارد که در تشریفات آن کشورها می‌تواند مبنای تقدم قرار گیرد. از این قبیل است عناوین و القاب: پرنس و پرنسس و دوک و دوشس و مارکی و مارکیز، کنت و کنتس، ویکنت و بارون و لُرد و سِر و غیره، که روزی نشانه مقامی والا و نجابت خانوادگی بوده است.

در گذشته‌ای نه چندان دور، ملکه انگلستان در زمینه بخشش القاب نوآوری کرده و به گروه بیتل‌ها لقب سِر (Sir) داد، که شاید از بعضی جهات، استحقاقشان کمتر از دیگران نبود.

همیشه، برای خوش آمد سلاطین، به آنان القاب طولانی و پر از مداهنه داده می‌شد که مورد پسند آنان نیز بود. برای مثال در ایران، از جمله القابی که به مظفرالدین شاه قاجار داده شده بود، به شرح زیر است:

«اعلیحضرت قدر قدرت، قوی شوکت، پادشاه ذیجاء، خسرو رفیع جایگاه، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، السلطان مظفرالدین شاه قاجار، شاهنشاه تمام ممالک محروسه ایران، خلدالله تعالی سلطنته و دولته.»

از یادداشتهای ملک المورخین، مرآت الوقایع مظفری، نوشته  
عبدالحسین خان سپهر، - چاپ تهران - ۱۳۶۸ - صفحه ۴۳.

در گذشته دور در ایران انواع و اقسام القاب پرطمطراق از طرف سلاطین به مردم داده و یا فروخته می‌شد، تا جائی که با دادن این القاب حتی به پائین‌ترین مشاغل کار را به ابتذال کشیده بودند.

مظفرالدین شاه، در سفرنامه فرنگ، که طی سفر اول خود تفریر کرده بود، چنین می‌گوید: «... ما سه نفر پیشخدمت داریم که باید خدمت ما را بکنند. آنکه ناصر همایون است ناخوش شده، آنکه ناصر الممالک است سرش درد می‌کند و آنکه ناصر خاقان است، پاریس رفته، امشب هیچ کدام از آنها حاضر نبودند...»

(سفرنامه فرنگستان» چاپ ۱۳۶۳ - صفحه ۱۰۰).

در دوره پهلوی نیز به رضاشاه، پس از فوت، رسماً لقب «کبیر» و به محمدرضاشاه، لقب «آریامهر» داده شد که خود داستانی جداگانه است.

لقاب در ایران طبق قانون حذف شده و تا آنجا که اطلاع حاصل است، در اواخر رژیم سابق جز لقب (جناب)، نه بصورت عنوان، بلکه بصورت لقب - القاب دیگری نبود.

لقب «جناب اشرف»، پس از رفع غائله آذربایجان، به احمد قوام (قوام السلطنه) نخست وزیر وقت داده شد ولی بعداً که مغضوب گردید، این لقب از او پس گرفته شد. یک مورد دیگر، همکاری داشتم که با من هم دوره بود. او به لقب «جناب» دست یافت و از گردش روزگار بر من ریاست پیدا کرد. وی در بکار بردن و بکار برده شدن لقب «جناب» وسواس داشت و همیشه بر این نکته تکیه می‌کرد و می‌گفت لقب «جناب» من چون لقب است با «جناب» دیگران که عنوان است، تفاوت دارد.

عنوان یا تیترا «جناب» که قبل از کلمه آقا قرار می‌گیرد، ترجمه excellence فرانسوی و excellency انگلیسی است. این عنوان را در ایران باید در مورد مقامات رسمی خارجی که استحقاق این عنوان را در عرف بین‌المللی دارند به کار برد، از جمله قبل از نام رؤسای نمایندگیهای دیپلماتیک (طبقه اول و دوم) یعنی سفیران و وزیران مختار، که در عرف دیپلماتیک کاربرد آن الزامی است.

امروزه در ایران کاربرد اصطلاح «جناب» در کوچه و بازار، همردیف آقا، برادر، حاجی، دکتر ... هم مرسوم شده و معلوم نیست این مُد تا کی دوام خواهد داشت.

در بعضی کشورها، مثلاً فرانسه، عناوین سابق اشخاص، حتی پس از تغییر شغل و یا بازنشستگی همچنان حفظ می‌شود. مثلاً کسی که در گذشته رئیس جمهور یا نخست وزیر و یا وزیر و یا سفیر بوده، همیشه با عالی‌ترین مقامی که داشته مورد خطاب قرار می‌گیرد.

در ایران، پس از انقلاب، نام رسمی کشور و حکومت و سازمانهای دولتی و نمایندگیها و عناوین و القاب صاحبان مقام و پستها نسبت به گذشته تغییر کرده است و این وظیفه تشریفات است که مجموعه‌ای از این نامها و عناوین و القاب، فراهم آورد. این نامها و عناوین و القاب رسمی، در روابط خارجی، بکار می‌آید و بنابراین ترجمه فرانسوی و انگلیسی آنها و املاء خارجی آنها، باید دقیقاً معلوم و مشخص باشد. نگارنده هنگامی که تصدی معاونت تشریفات را داشت، مجموعه‌ای از این نامهای رسمی با ترجمه انگلیسی و فرانسوی آن فراهم آورد و در نسخه‌های متعدد بین ادارات و نمایندگیها توزیع نمود و بعداً همین بخشنامه مورد استفاده جزوات مربوط به اسلوب نگارش که توسط وزارت امور خارجه انتشار یافت قرار گرفت و نقل گردید. ولی آن اسامی و عناوین امروز تغییر کرده و مؤسساتی هم از بین رفته و تأسیسات جدیدی جانشین آنها شده است و بنابراین فهرست جدیدی باید در این زمینه فراهم گردد که احتمالاً نیز شده است.

### بخش دوم: پرچم رسمی

#### گفتار اول

#### پرچم رسمی چیست؟

پرچم، نشانه کشور است. هر کشور مستقل دارای پرچم رسمی خاص می‌باشد. در مواردی، بین پرچمهای چند کشور که همبستگی عقیدتی و یا جغرافیائی دارند، بعضی رنگها و یا علامات و یا اشکال مشترک است، مثلاً پرچم کشورهای کمونیست در گذشته یا پرچم بعضی کشورهای آفریقائی و یا پرچم کشورهای اسکاندیناوی، دارای شکلها و علامات یا رنگهای مشابهی هستند.

پرچمهای رسمی نیز به مانند اسامی رسمی کشورها، احتمالاً پس از انقلابات و یا تغییرات رژیم و تحولات داخلی کشورها، ممکن است تغییر کند.

در فرانسه، پس از انقلاب کبیر آن کشور، و در شوروی پس از انقلاب اکبر، و در آلمان پس از شکست در جنگ جهانی دوم، و در روسیه بار



متفاوت هستند. این پرچمها با اینکه دولتی هستند ولی فقط در حوزه عملیات خود رسمیت دارند.

پرچم‌هایی که فاقد علائم و آرم کشور هستند رسمیت ندارند و می‌توان از آنها در آذین‌بندی و در اجتماعات غیر رسمی استفاده کرد. این پرچمهای غیر رسمی تابع مقررات تشریفاتی نیستند ولی، در گردهمایی‌های رسمی و مؤسسات دولتی، باید از پرچم رسمی با تمام مشخصات آن استفاده کرد.

## گفتار دوم تشریفات پرچم

پرچم رسمی هر کشور، به این عنوان که مظهر دولت و ملت است، از احترام والایی برخوردار است و حتی در مواردی جنبه تقدس دارد و به آن سوگند خورده می‌شود. تشریفات برافراشتن پرچم باید با احترام و آرامی صورت گیرد. به آهستگی افراشته و پائین آورده شود. پرچم مورد استفاده باید تمیز و اطو کشیده بوده و رنگهای آن مشخص باشد و در نصب آن دقت به کار برده شود. نحوه نصب پرچم باید درست باشد.

شنیده‌ام، در هنگام سفر یک وزیر نیوزیلندی به ایران، در اوایل پیروزی انقلاب، پرچم آن کشور به طور معکوس بر اتومبیل حامل او، نصب شده بود. وزیر مزبور، پس از خروج از فرودگاه، در مسیر خود به هتل، دستور می‌دهد اتومبیل را در پارک وی، متوقف کرده و پرچم را به طور صحیح نصب نمایند و آنگاه به حرکت خود ادامه می‌دهد. پرچم اصولاً باید با دیدن آفتاب تا غروب آفتاب و یا از ساعت هشت صبح تا شش بعد از ظهر، برافراشته باشد.

در بعضی مراسم، بالا کشیدن پرچم با احترامات خاص و موزیک نظامی همراه است.

آتش زدن پرچم توهین بزرگ به دولت و ملت صاحب پرچم است و در بعضی کشورها مجازات سنگین دارد.

چون اساس روابط کشورها بر مساوات است، هنگامی که استفاده از پرچمهای کشورهای متعدد لازم می‌شود، پرچم دولتها نیز باید به قطعات یکسان تهیه شده و بر

در کنفرانسهای بین‌المللی که نمایندگان کشورهای متعدد شرکت می‌کنند و نماینده کشور محل برگزاری، جنبه میزبان را ندارد، نظم پرچمها براساس نام کشور و حروف الفباست و پرچم کشور میزبان هم در جای خود، بر حسب حروف الفبا قرار می‌گیرد.

### گفتار چهارم

## سابقه برافراشتن پرچم در سفارتخانه‌ها

مسأله برافراشتن پرچم در سفارتخانه‌ها، مانند بسیاری از مسائل تشریفاتی، در گذشته، از اهمیت زیاد برخوردار بود.

با اینکه در گذشته فرضیه «هوگو گروسیوس» درباره «خارج المملکتی» یا «برون مرزی» بودن اماکن نمایندگی رایج بود و محوطه هر سفارت قطعه‌ای از خاک کشور صاحب آن سفارت فرض می‌شد، ولی موضوع فرو بردن تیر پرچم کشوری در خاک کشور دیگر، مورد بحث و منازعه بود و عموماً دولتها آنرا مغایر با حیثیت و حاکمیت مطلقه خود می‌پنداشتند. حق برافراشتن پرچم فقط با تراضی و توافق داده می‌شد و آن هم بیشتر شامل کشورهای بزرگ بود که معمولاً نمایندگی در سطح سفارت کبری (نمایندگی از طبقه اول) داشتند.

با این مقدمه، معلوم است که برافراشتن پرچم یکی از مسائل مشکل‌ساز و مورد کشمکش دولتها در گذشته بود. ماجرای اختلاف دولت ایران با دولت عثمانی، بر سر افراشتن پرچم، نمونه‌ای، برای نشان دادن اهمیت موضوع است. شرح واقعه از این قرار است:

«در سال ۱۳۶۸ هجری قمری، سفیر عثمانی بنام «احمد وفق افندی» به بهانه آنکه سفرای «دول متحاربه» چون انگلیس و روسیه و فرانسه و غیر آن در بالای عمارت سفارتخانه خود پرچم افراشته‌اند، او هم پرچم عثمانی را در بالای محل سفارت خود در تهران نصب می‌کند».

دولت ایران هم به این عمل اعتراض کرد، ولی، چون سفیر عثمانی به این اعتراض ترتیب اثری نداد، دولت ایران به کاردار دائم (مصلحت‌گزار) خود در استانبول (استانبول) دستور داد که عمل متقابل کرده و پرچم ایران را در سفارت ایران در آن شهر برافرازد و ضمناً موضوع به سفرای روسیه و انگلستان در استانبول اطلاع داده شود.

«از طرف وزارت خارجه عثمانی، اعتراض به عمل می‌آید» و «خیرالدین پاشا، از جانب وزارتخانه امور خارجه [عثمانی] با نوشته رسمیّه نزد او [مصلحت‌گزار ایران] رفته و اظهار می‌دارد «که هرگز اولیای دولت عثمانی قبول نخواهند کرد که خلاف رسم قدیم معمول گردد و در سور اسلامبول بیدق دولت خارجه برافراشته شود، اگر باز تکرار در برافراشتن بیدق گردد بکلاتر شهر اخبار خواهد شد و ضمناً او را از بلوای عام و شورش مردم» می‌ترساند.

«... در نتیجه تهدید مأمورین دولت عثمانی و همچنین بیم بلوای عام و شورش مردم از افراشتن مجدد آن [پرچم] خودداری بعمل آمد».

اشاره به «بیم بلوای عام و شورش مردم» از آن جهت بود که «... بیدق دولت علیّه ایران که در اسلامبول برافراشته شد لاله‌الاله محمد رسول‌الله علی‌اسدالله در آن مسطور» بود و احتمال می‌رفت برافراشتن چنین پرچمی در میان شهر استانبول که عموم مردم سنی مذهب بودند، واکنش داشته باشد.

صدر اعظم ایران، نمایندگان روس و انگلیس در تهران را واسطه قرار می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که یا هر دو دولت پرچم خود را در سفارتخانه‌های خویش برافرازند یا هر دو پرچم خود را پائین آورند.

نمایندگان روس و انگلیس برای تصمیم در این باره فرصت می‌طلبند تا با دولت مربوطه خود مشورت نمایند.

در این فاصله صدر اعظم ایران در نامه‌هایی به سفیر ایران در پترزبورگ و «مصلحت گذار» ایران در لندن، می‌نویسد: «چنانکه اولیای دولت عثمانی خیرالدین پاشا را مأمور کردند و با کاغذ رسمیّه به سفارت ایران آمده اخبار نمود که اگر من بعد باز بیدق دولت ایران کشیده شود اخبار ضبطیه خواهد شد که بیدق را بخوابانند، دولت ایران هم حق دارند که به بیگلربیگی و کلاتر شهر خبر بدهند که بیدق عثمانی را پائین بیاورند».

و اما صدر اعظم در مورد پرچم دولت ایران حاضر به یک گذشت می‌شود و آن مربوط به جمله مسطور بر روی آن بود که در این مورد دولت ایران چنین پیشنهاد می‌نماید «... این کلمات را موقوف خواهند داشت. بیدق دولت علیّه همان شیر و خورشید و بیدق دولت عثمانی همان ماه و ستاره خواهد بود، دیگر راه عذری و محل ایرادی از برای ایشان نخواهد ماند».

نقل اختصاری از مقاله «ورقی از تاریخ دیپلماسی ایران». از ابراهیم تیموری

- نشریه وزارت امور خارجه - دوره سوم - شهریور ۱۳۴۴ - شماره ۱،

«قوانین، مقررات و عرف دولت پذیرنده» است.

● رئیس نمایندگی دیپلماتیک در هر زمان می تواند از پرچم، برای وسائط نقلیه خود استفاده کند ولی در مورد رؤسای پستهای کنسولی حق کاربرد پرچم در مورد وسائط نقلیه محدود است به «هنگامی که برای امور اداری مورد استفاده واقع می شود.»

### گفتار هفتم

## استفاده از پرچم در سایر نمایندگیها

استفاده از پرچم در مأموریت های ویژه و نمایندگی های دول نزد سازمان های بین المللی، مشابه است.

به موجب ماده نوزدهم «کنوانسیون وین درباره مأموریت های ویژه» (۱۹۶۹) زیر عنوان «حق مأموریت ویژه در برافراشتن پرچم و آرم دولت فرستنده» چنین آمده است: «۱- مأموریت ویژه حق دارد پرچم و علامت کشور فرستنده را در امکنه ای که مأموریت در آن اقامت دارد و همچنین در موقع استفاده رسمی از وسائط نقلیه شان، برافرازد.

۲- در استفاده از حق مذکور، می باید قوانین، مقررات و عرف کشور پذیرنده مراعات گردد.»

به موجب ماده نوزدهم «کنوانسیون وین درباره نمایندگی دولتها در روابطشان با سازمان های بین المللی جهانی» (۱۹۷۵)، زیر عنوان «استفاده از پرچم و آرم» چنین آمده است:

«۱- مأموریت حق خواهد داشت که از پرچم یا آرم دولت فرستنده بر روی اماکن خود استفاده نماید. رئیس مأموریت نیز چنین حقی را نسبت به محل اقامت و وسیله نقلیه خود خواهد داشت.

۲- استفاده از حق مذکور در این ماده، می باید با رعایت قوانین و مقررات و عرف دولت پذیرنده صورت گیرد.»

ترجمه متن این دو ماده از کتاب «حقوق دیپلماتیک نوین» از عباس معین

زاده - سال ۱۳۷۲ - اخذ گردیده است.

چند نکته درباره این دو ماده قابل ذکر است:

- اگر دو رئیس کشور (میهمان و میزبان)، هر دو در یک اتومبیل باشند، مثلاً در مسیر حرکت از فرودگاه به اقامتگاه میهمان، در این صورت، پرچم هر دو کشور، بر دو طرف اتومبیل نصب می‌گردد، پرچم کشور میهمان در طرف راست (همان طرفی که نشسته است) و پرچم رئیس کشور میزبان، در طرف چپ.
- اگر رانندگی در کشور، از طرف چپ خیابان باشد، نظم معکوس خواهد بود.
- در هنگام مسافرت رسمی مقامات عالی رتبه دیگر، مانند نخست‌وزیر رئیس پارلمان و وزیران به خارج از کشور، ممکن است برای اتومبیل آنان نیز از پرچم کشورشان استفاده شود که به دلیل احترام گذاشتن به خود آنان است و در این موارد حق سفیر در استفاده از پرچم خود، به عنوان نمایندگی از طرف رئیس کشورش، محفوظ است.
- در بعضی کشورها و بعضی نمایندگیها، ممکن است جلو اتومبیل وسط آنرا برای نصب پرچم انتخاب کنند که از نظر تشریفات مانعی نیست.
- مقررات مربوط به وضع نیمه افراشتن پرچم، در هنگام عزاداری، شامل پرچم اتومبیل نمی‌شود.

### گفتار نهم

## فواید پرچم در نمایندگیها و پست‌های کنسولی

- فواید نصب پرچم، در نمایندگیهای دیپلماتیک و پست‌های کنسولی و سایر نمایندگیها در خارج، متعدد است، از جمله:
- با نصب پرچم، در اماکن نمایندگی و کنسولی و وسائط نقلیه آن، در یک کشور، تعلق آنها به دولت خارجی معلوم می‌شود.
  - با معلوم و مشخص شدن این اماکن و وسائط نقلیه، مأمورین دولت پذیرنده، حریم دخالت خود را می‌شناسند و از تجاوز به آنها اجتناب می‌کنند.
  - نصب پرچم، راههائی است برای اتباع کشور فرستنده و سایر کسانی که برای انجام امور خود به این اماکن مراجعه می‌نمایند.
  - در موارد اغتشاش و شورش و جنگ داخلی و تظاهرات، مردم عادی و مأمورین دولت پذیرنده، بهانه‌ای برای تجاوز یا نفوذ به داخل محوطه این اماکن و متعلقات آنرا نخواهند داشت و نمی‌توانند مدعی شوند که در هنگام تجاوز یا تعرض از تعلق اماکن یا

وسائط نقلیه به دولت فرستنده، آگاه نبوده‌اند.

\*\*\*

علیرغم آنچه گفته شد، باید افزود که در وقایعی که خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم به گزرات روی داده است، در اغتشاشات و هیجانات عمومی، برافراشتن پرچم، نه تنها حفاظتی برای اماکن دیپلماتیک و کنسولی نبوده، بلکه خود، هدفی مناسب و آسان برای ابراز خصومت و بی‌احترامی بشمار آمده است، چنانکه بارها حرمت و مصونیت پرچم و اماکن سفارت و کنسولی که پرچم بر فراز آن در اهتزاز بوده، نقض گردیده و این عملیات هم به عمد برای توهین و خفت و ابراز انزجار نسبت به ملت و دولت صاحب پرچم بوده است.

### گفتار دهم

## نیمه افراشتن پرچم در عزاداری

در هنگامی که عزاداری ملی و عمومی اعلام می‌شود، پرچمهای کشور، نیمه افراشته می‌گردد. تعداد روزهای عزاداری که طی آن پرچم‌ها نیمه افراشته است، از قبل اعلام می‌شود. نیمه افراشتن پرچم مقررات خاصی دارد که به صورت عرف بین‌المللی در آمده است.

تشریفات نیمه افراشتن پرچم چنین است که در آغاز، پرچم به بالای تیر یا پایه کشیده می‌شود و آنگاه در حدود یک چهارم مسیر طی شده پائین آورده می‌شود. برای پائین کشیدن پرچم نیز همین عمل تکرار می‌شود، یعنی نخست پرچم از حالت نیمه افراستگی به بالا کشید شده و سپس به آهستگی پائین آورده می‌شود.

در بعضی موارد، بالا و پائین کشیدن پرچم، ممکن است با احترامات نظامی و نواختن موزیک همراه باشد.

در مواقعی که نتوان پرچم را به عللی نیمه افراشته کرد، می‌توان با روبان سیاه رنگی که به گوشه بالای پرچم بسته می‌شود، آنرا به حالت عزا در آورد.

پس از ترور ضیاءالرحمن، رئیس جمهور بنگلادش، دولت آن کشور اعلام عزای عمومی کرد و کلیه نمایندگان دیپلماتیک در داکا (پایتخت بنگلادش) پرچم خود را نیمه افراشته کردند، ولی سفارت ایران از نیمه

افراشتن پرچم خودداری کرد و طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه در تهران نوشت: «به واسطه عبارت لااله الاالله بر روی پرچم جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند آنرا نیمه افراشته نماید» و اضافه کرده بود که سفارت عربستان نیز چنین کرده است و ضمناً پیشنهاد کرده بود که بجای نیمه افراشتن پرچم، در موارد مشابه، در کنار پرچم جمهوری اسلامی ایران، یک پرچم سیاه افراشته شود.

اداره تشریفات موضوع را به نخست‌وزیری منعکس ساخت و کمیسیونی برای بررسی موضوع تشکیل شد. پس از مذاکرات، کمیسیون این پیشنهاد را نپذیرفت.

لازم به یادآوری است که بعضی کشورها، مثلاً انگلستان هیچگاه پرچم خود را نیمه افراشته نمی‌کند، حتی در صورت فوت پادشاه آن کشور. در نمایندگیهای دیپلماتیک و پست‌های کنسولی، نحوه عزاداری از طریق پرچم بر دو گونه است. اگر اعلام عزاداری از سوی کشور فرستنده باشد مقررات و دستورات این کشور از طرف نمایندگی و پست مربوط، به اجرا گذاشته می‌شود. اگر عزاداری از طرف دولت پذیرنده باشد، احترامات لازم با مشورت تشریفات محل یا طبق نظر مقدم‌السفر، هماهنگ با سایر نمایندگیها، به اجرا گذاشته خواهد شد.

### گفتار یازدهم

## تاریخچه پرچم رسمی ایران

در ادوار مختلف تاریخ ایران، پرچم‌های متفاوتی از طرف سلسله‌ها و سلاطین بکار رفته است. وجه مشترک اغلب پرچمها، نقش خورشید و شیر و شمشیر بوده که هر کدام تاریخچه جداگانه دارد. فقط به اختصار می‌توان گفت که خورشید علامت مهر یادگار دوره باستان بوده و شیر (با مفهوم مذهبی) پس از اسلام بر آن افزوده شده و شمشیر هم در عهد قاجار (به تعبیری نشانه‌ای از ذوالفقار) در دست شیر نهاده شده است.

زمینه پرچم هم رنگ معینی نداشته و گاه سرخ یا سبز و یا رنگهای دیگر بوده است و در دوره قاجار، گاه جملاتی هم از قرآن یا جملاتی نظیر «الملک لیله» و «یا علی» یا تنها نام حضرت «علی» و یا جمله «لااله الاالله محمد رسول الله و علی اسدالله» در متن زمینه

نوشته می شده است.

درباره پرچمی که جمله اخیرالذکر بر آن نقش شده بود، چنانکه قبلاً شرح آن گفته شد، موجب اختلافاتی بین دولت ایران و دولت عثمانی که مردم آن سنی مذهب اند، گردید.

و اما تاریخ پرچمی که در ایران به عنوان پرچم رسمی پذیرفته شد، طولانی نیست و این پرچم پس از انقلاب مشروطیت شکل گرفت. اصل پنجم متمم قانون اساسی چنین است: «الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است.» با توجه به ابهام این اصل، و در تکمیل آن، در تاریخ ۱۴ دیماه ۱۳۳۶ شمسی، تصویب نامه هیأت وزیران مشخصات پرچم ایران را به طریق زیر تعیین نمود:

بند اول: «الوان رسمی ایران از سه رنگ مساوی سبز و سفید و قرمز و علامت شیر و خورشید تشکیل می گردد، بطوریکه رنگ سبز بالا و سفید وسط و قرمز در پائین قرار خواهد گرفت.

بند دوم: «نقش شیر و خورشید برنگ زرد طلائی در وسط پرچم روی قسمت سفید و به قسمی رسم می شود که سر شیر بطرف چوب پرچم و شمشیر بطور عمودی و در دست راست شیر قرار گرفته و پای شیر بطرف رنگ قرمز، دم شیر به شکل قلاب کمر (اس ایتالیک) و یک خم بطرف بالا داشته و نگاه شیر متمایل خواهد بود، خورشید بطور نیم قرص در انتهای گردن و کمر واقع شده و اشعه های آن بایستی بسمت سر تجاوز نماید (رعایت نکات فوق در هر دو روی پرچم لازم می باشد).»

بند ۷- «چوب پرچم برنگ سفید و طول آن همواره سه برابر عرض پرچم بوده و طنابی که پرچم را به چوب آن اتصال می دهد نیز باید به رنگ سفید باشد. سر چوب پرچم های رسمی قبه یی گروی شکل به رنگ سفید نصب خواهد شد.»

## گفتار دوازدهم

### پرچم جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب و برقراری جمهور اسلامی در ایران، پرچم نیز تغییر کرد. بنابر اصل هجدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸) پرچم ایران چنین تعریف شد:



«پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است.»  
 شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در جلسه ۱۵ تیرماه ۱۳۵۹ پرچم جمهوری اسلامی را تصویب کرد. «مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران» در تاریخ مهرماه ۱۳۵۹، جزوه‌ای حاوی استاندارد ویژگیهای پرچم رسمی جمهوری اسلامی ایران، منتشر ساخت.

مقدمه شرح ویژگیهای این پرچم چنین است:

«سرانجام نهال خون شهیدان «الله اکبر» به گل نشست و ایران لاله‌زار شد، تا به سپاس تو ای شهید، لاله خونت لاله‌الاله شود و بر پرچم اُمت بیا خاسته امام زمان و نایبش امام خمینی بنشیند، یعنی که پاسداری ثمره خون تو ای شهید پاسداری لاله‌الاله و محمدرسول‌الله است.»

درباره ویژگیهای طرح پرچم چنین توضیح داده شده است:

«پرچم جمهوری اسلامی ایران بر طبق اصل هیجدهم قانون اساسی به رنگهای سبز و سفید و سرخ، با علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران و شعار «الله اکبر» بمشخصات زیر می‌باشد:

«علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران به رنگ سرخ در وسط پرچم قرار می‌گیرد.

«شعار «الله اکبر» به رنگ سفید و یا خط بنائی (یعنی همان خطی که شعار الله اکبر بر مناره‌های مساجد اسلامی نقش می‌کند) تکرار می‌شود.

«شعار «الله اکبر» به نشانه بیست و دوم بهمن (یازدهمین ماه سال) یازده بار در رنگ سبز و یازده بار در رنگ سرخ یعنی بیست و دو بار بصورت حاشیه در مرز رنگ سرخ و سبز با رنگ سفید تکرار می‌گردد.

جهت اطلاع بیشتر از مشخصات پرچم و علامت مخصوص جمهوری اسلامی و مفاهیم فلسفی مکتبی آن به پیوست شماره (۱) مراجعه شود.»

در پیوست شماره ۱، شرح مشخصات پرچم و مفاهیم فلسفی آن، به تفصیل بیان شده است که قسمتی از آن، پس از توجیه علامت وسط پرچم، که آرم جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد، به قرار زیر است:

«... و بالاخره بزرگترین و اصلی‌ترین ویژگی لازم و کافی ترکیب طرح همانا بیان کلمه الله است که خود هم قالب است و هم محتوی.

«و... «شعار الله اکبر» که تکرار می‌شود و تکرار از ویژگیهای شعار است. این شعار یازده بار در رنگ سرخ و یازده بار در رنگ سبز یشمی بیست و دو بار تکرار می‌شود و این اشاره‌ایست به بیست و دوم بهمن (یازدهمین ماه سال)، روزی که این شعار برای انقلاب اسلامی پیروزی آفرید.

«قالب راست گوشه خط نوشته «الله اکبر» یادی است از کوبندگی این شعار که براستی سلاحی بود پیروز در درست مجاهدان انقلاب اسلامی. و این همان خطی است (خط بنایی) که شعار الله اکبر را بر بلندای اذان و برگنبدها و مناره‌های الله اکبر در مساجد اسلامی نقش می‌کرده و اکنون بر بلندای پرچم ایران نشسته است. تکرار این شعار در ترکیب کلی پرچم حاشیه‌هایست که با اتصال به رنگ سفید پرچم دو رنگ سرخ و سبز را بهم پیوند می‌زند، که اگر سفید نشانه‌ای از توحید باشد - که سفید ترکیب و توحید همه رنگهاست - این رنگ متن سرخ پرچم را که نشانه خون و جهاد است به رنگ سبز که می‌تواند نمادی از آرمانهای والای اسلام باشد می‌پیوندد.

و گوئی لاله «لااله الاالله» در زمین الله اکبر و هم زیر آسمان الله اکبر روئیده است و... این پیام شهیدان اسلام است.»

## بخش سوم: آرم رسمی

### گفتار اول

## آرم رسمی کشورها

هر کشور دارای یک (آرم) یا نشانه رسمی است که از علائم شناسائی آن کشور است.

در آرم کشورها، گاه از عوامل آسمانی مانند خورشید یا ماه و یا ستاره و گاه از حیوانات مانند شیر، پلنگ، فیل، اسب و عقاب و گاه از اسلحه مانند شمشیر و خنجر و نیزه و سپر و گاه از عوامل دیگر مانند درخت و برگ و نوشته و غیره استفاده می‌شود. معمولاً تصاویری که گفته شد در کادرهای رنگارنگ و شکلی، گنجانیده شده و مفاهیم نمادی به آن داده می‌شود.

«آرم رسمی» که گاه به آن «علامت دولتی» یا «نشان رسمی» هم گفته می‌شود اصولاً

## گفتار چهارم

### نخستین سرود رسمی جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب در ایران، تا مدتها، سرود رسمی وجود نداشت و در میان مسائل اولیه پس از انقلاب به این مسأله توجهی نشده بود. نخستین بار در سفرهای رسمی مقامات ایرانی به خارج از کشور و سپس در میدانهای ورزشی که ورزشکاران ایران شرکت کرده بودند، لزوم داشتن یک سرود رسمی احساس گردید.

بطوری که شنیده شد، در اوایل انقلاب، به علت نداشتن سرود رسمی و کوتاهی سفارت مربوط در آگاه کردن تشریفات محل، در دو مسافرت رسمی، دسته نظامی گارد کشور محل، در حین انجام مراسم احترام، سرود شاهنشاهی رژیم گذشته را نواخته بوده است. نمی دانم عکس العمل مقامات حکومت موقت انقلابی در برابر آن چه بوده است.

در آغاز، یک آهنگ مارش انقلابی که بنام سرود جمهوری اسلامی معروف شده بود، در رسانه‌های صوتی تکرار می شد و در بعضی مراسم مورد استفاده قرار می گرفت، ولی رسمیت نداشت و نمی شد آنرا سرود رسمی جمهوری اسلامی ایران تلقی کرد. بر این اساس، نگارنده در مقام سرپرستی اداره تشریفات وزارت امور خارجه، در تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۵۹ متن نامه‌ای خطاب به «دفتر ریاست جمهوری» تهیه کردم که متن آن چنین بود:

«سرود ملی جمهوری اسلامی ایران که می بایست در نخستین ماههای پس از انقلاب تهیه و تنظیم گردد، هنوز به این وزارت ابلاغ نگردیده و تقاضای نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در این زمینه بلاجواب مانده است.

«با اینکه سرود ملی یک مسأله عمومی است و به کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی مربوط می شود، مع ذلک وزارت امور خارجه از سال گذشته در این خصوص بارها با سازمانهای مختلف دولتی مکاتباتی انجام داده بدون اینکه پاسخ مورد نظر را دریافت دارد.

«بعلت ضرورت موضوع، در موارد مختلف و طی بخشنامه‌هایی به نمایندگیهای سیاسی ایران در خارج ابلاغ گردیده تا تعیین سرود ملی در مراسم یا از نواختن سرود صرفنظر گردد و یا در صورت لزوم از سرود جمهوری اسلامی استفاده شود...» این نامه که می‌بایست وزیر امضاء کند، به امضاء او نرسید و زیر آن نوشته شد:

«سرود فعلاً همان سرود جمهوری اسلامی باشد و جریان را تعقیب فرمائید» و این ایام مصادف با تاریخ بازنشستگی من بود.

نخستین سرود جمهوری اسلامی دارای دو بند بود:

آهنگ آنرا محمد بیگلری پور ساخته و شعر آنرا ابوالقاسم حالت به شرح زیر سروده بود:

### بند اول

شد جمهوری اسلامی بپا	که هم دین دهد هم دنیا بما
از انقلاب ایران دگر	کاخ ستم گشته زیروزبر
تصور آینده ما	نقش مراد ماست
نیروی پاینده ما	ایمان و اتحاد ماست
یاریگر ما دست خداست	ما را درین نبرد او رهنماست
در سایه قرآن، جاودان	پاینده بادا ایران

### بند دوم

آزادی چو گلها در خاک ما	شکفته شد از خون پاک ما
ایران فرستد با این سرود	رزمندگان وطن را درود
آئین جمهوری ما	پشت و پناه ماست
سود سلحشوری ما	آزادی و رفاه ماست
شام سیاه سختی گذشت	خورشید بخت ما تابنده گشت
در سایه قرآن جاودان	پاینده بادا ایران

## گفتار پنجم

### آخرین سرود رسمی جمهوری اسلامی ایران

پس از گذشت نزدیک به دوازده سال از پیروزی انقلاب، بار دیگر موضوع سرود رسمی مورد توجه قرار گرفت. وظیفه تهیه سرود رسمی به دستگاه رادیو و تلویزیون واگذار گردید.

رئیس صدا و سیما، جمهوری اسلامی درباره سابقه آن چنین شرح می‌دهد:

«در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۹ مقام معظم رهبری نامه‌ای به اینجانب مرقوم فرمودند و دستور دادند گروهی تشکیل شود و سرود جمهوری اسلامی را بازنگری کنند... بعد از دریافت فرمان ایشان هیأتی را تشکیل دادیم. ابتدا سرود قبلی را بررسی کردیم که مدتش طولانی بود و همه اصول اصلی انقلاب هم در آن نبود و تصمیم گرفته شد که سرود جدید ساخته شود. سرانجام ویژگی‌های آهنگ مورد نظر نوشته شد. و برای همه آهنگسازان ارسال شد که حدود ۶۰ نفر آهنگ‌های گوناگون ساخته و هیأت داور ۹ آهنگ را انتخاب کرد. هیأت دیگری سه آهنگ را از بین آن ۹ آهنگ برگزیده و نوار سه آهنگ منتخب را خدمت مقام معظم رهبری بردند. ایشان ۶ آهنگ حذف شده در مرحله دوم را خواستند و دستور بررسی دادند...».

ساخت سرود رسمی جدید مدت دو سال به درازا کشید و جنبه‌های مختلف آن از جهات بسیار مورد بررسی قرار گرفت.

رئیس صدا و سیما درباره این سرود رسمی جدید، چنین توضیح داده است:

«از ویژگی‌های این آهنگ این است که زمان آن ۵۹ ثانیه و دارای مفاهیم عمیق و خوبی است. در مورد شعر نیز به همین ترتیب عمل شد. در شورائی که مرحوم اوستا هم حضور داشت شعری تدوین و حضور مقام معظم رهبری فرستاده شد. ایشان شعر را ملاحظه فرمودند و تذکری در مورد وجود نام مبارک حضرت امام در شعر دادند که به تذکر ایشان عمل شد و به تصویب نهائی رسید و تهیه آن یکسال و اندی طول کشید...»

در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۱ این دستور از طرف مقام معظم رهبری صادر گردید:

### بسمه تعالی

«شعر و آهنگ و اجرا به همین صورت تصویب می شود. سید علی خامنه‌ای»

\*\*\*

متن شعر «سرود رسمی جمهوری اسلامی ایران» چنین است:

سر زد از افق

مهر خاوران

فروغ دیده‌ی

حق باوران

بهمن

فر ایمان ماست

پیامت ای امام

استقلال، آزادی، نقش جان ماست

شهیدان

پیچیده در گوش زمان فریادتان

پاینده مانی و جاودان

جمهوری اسلامی ایران

کلمات و استعاراتی که در این سرود به چشم می خورد، غیر از ذکر صریح «امام» عبارتند از «سر زدن مهر»، «افق خاوران»، «حق باوران»، «بهمن» (ماه انقلاب)، «استقلال»، «آزادی» و «فریاد شهیدان» و «پاینده مانی جمهوری اسلامی ایران».

### بخش پنجم: روز رسمی

کشورها عموماً یک روز در سال را به عنوان «روز رسمی» یا چنانکه معمولاً گفته می شود «روز ملی» اعلام می دارند و در این روز در سفارت خانه‌ها جشن گرفته می شود و مراسمی بر پا می گردد.

توجه به این نکته ضروری است که «روز رسمی» لزوماً یک روز «ملی» نیست و مفهوم آن بیشتر با مفهوم «روز رسمی» یا «روز دولتی» مطابقت می کند، زیرا، ریشه این

روزها و مراسمی که در این روز برگزار می‌شود، بیشتر به حکومت هر کشور مربوط است، مثلاً مربوط به تغییر رژیم حکومتی، و یا کسب استقلال و پیدایش یک حکومت جدید و یا تاریخ انقلاب و تغییر اساسی در حکومت و ارکان دولت است و حتی در بعضی کشورهای سلطنتی، سالروز تولد پادشاه مأخذ تعیین (روز رسمی) قرار می‌گیرد. در رژیم گذشته در ایران روز سوم اسفند (سالروز کودتای رضاشاه) و سپس روز چهارم آبان (سالروز تولد محمدرضا پهلوی) جشن گرفته می‌شد. پس از انقلاب تا مدتی روز بخصوصی تعیین نشده بود تا اینکه پس از متجاوز از یکسال با مباشرت نگارنده، روز ۲۲ بهمن که سالروز انقلاب است به عنوان روز رسمی، انتخاب شد. در ذیل این بحث، توضیح بیشتری در این باره داده خواهد شد.

به مفهوم واقعی «روز ملی» مفهوم دیگری دارد و باید به «ملت» و «ملیت» وابستگی داشته باشد که چنین نیست و شاید منشاء این اشتباه این است که در زبان فارسی «روز ملی» عیناً از اصطلاحات خارجی (در زبان فرانسه Faite nationale و در زبان انگلیسی National day) ترجمه شده است، در حالی که در آن زبان‌ها نیز چنین مفهومی منظور نیست، چنانکه در انگلستان هر بار با تغییر پادشاه، روزی که «ملی» گفته می‌شود نیز تغییر می‌کند و این مغایر با مفهوم «ملی» بودن است.

### روز رسمی در ایران

روز ملی به مفهوم واقعی کلمه در ایران روز نوروز است که ریشه «ملی» دارد و الاً روز ۲۲ بهمن ماه سالروز انقلاب و تغییر رژیم و حکومت است، چنانکه در بسیاری از کشورهای جهان نیز چنین است.

به هر حال، صحیح یا غلط، اصطلاح «روز ملی» در زبان فارسی و سایر زبانها، به این شکل و به این مفهوم پذیرفته شده است ولی در نظر ما بهتر است آنرا «روز رسمی» بنامند و ما آنرا چنین می‌نامیم.

«روز رسمی جمهوری اسلامی ایران»، نزدیک دو سال پس از پیروزی انقلاب، روز ۲۲ بهمن ماه تعیین گردید.

نگارنده، اگر مدعی باشم که در تعیین روز ۲۲ بهمن به عنوان روز رسمی ایران سهم داشته‌ام، سخنی به گزاف نگفته‌ام و اگر در سال دوم انقلاب، من در رأس اداره کل تشریفات وزارت امور خارجه نبودم، و اقداماتی که

در این زمینه انجام دادم، نمی‌کردم، امروز تاریخ ۱۲ فروردین ماه، که روز برگزاری رفرا ند م و تاریخ برقراری جمهوری اسلامی است، به مرور و در عمل، عنوان روز رسمی ایران را پیدا می‌کرد. توضیح این که:

در اوائل سال ۱۳۵۹، هنگامیکه به سرپرستی تشریفات وزارت امور خارجه منصوب شدم، ب فکر افتادم اصول اساسی تشریفات را، در زمینه پرچم رسمی، سرود رسمی، روز رسمی و آرم رسمی کشور معلوم و مسجّل سازم، زیرا در این زمینه‌ها، پس از گذشتن یکسال و اندی از انقلاب هنوز وضع نامعلوم بود.

درباره روز رسمی، به سوابق مراجعه کردم، معلوم شد قبلاً طی بخشنامه‌ای به کلیه نمایندگی‌ها اطلاع داده شده که روز ۱۲ فروردین را که روز رفرا ند م درباره برقراری جمهوری اسلامی ایران بود، به عنوان روز رسمی جشن بگیرند. پس از تحقیق بیشتر آشکار شد که منشاء این دستور هم، مقام وزارت بوده است و در نمایندگیها و پست‌های کنسولی نیز به همین نحو عمل شده بود.

با توجه به این که، تعیین روز رسمی، یک مسأله مملکتی است و یک وزیر یا یک وزارتخانه صلاحیت تعیین آنرا ندارد و نمی‌تواند در این باره رأساً تصمیم بگیرد، گزارشی به وزیر نوشتم و از او خواستم برای تعیین روزی معین از دولت نظرخواهی کند. وزیر در پاسخ، زیر گزارش من نوشت که قبلاً روز ۱۲ فروردین تعیین گردیده است. من مجدداً در نامه‌ای خطاب به وزیر نوشتم و موضوع را تکرار کردم. وزیر در زیر نامه من نوشت «روز جمهوری اسلامی ۱۲ فروردین است.» من برای سومین بار نامه زیر را خطاب به وزیر نوشتم:

«جناب آقای ... وزیر امور خارجه»

«در گذشته دو بار درباره تعیین و اعلام رسمی روز ملی جمهوری اسلامی ایران، از آن جناب درخواست شد موضوع را نزد مقامات ذیصلاح مطرح فرمایند تا تصمیم قطعی در این باره اتخاذ شود.

«روز ملی اصولاً به وزارت امور خارجه بیش از سایر وزارتخانه‌ها مربوط می‌شود، زیرا تنها در این روز در نمایندگیهای ایران در خارج رسماً جشن گرفته می‌شود و تلگرامهای تبریک از طرف سران کشورها و وزرای خارجه مخابره می‌گردد و علاوه بر این، روز ملی در کتابچه فهرست دیپلماتیک در کلیه کشورها بچاپ می‌رسد و بهمین علل نیز طی سال گذشته بارها این موضوع از طرف نمایندگیهای ایران در خارج سؤال گردیده است.



«مضافاً باستحضار عالی می‌رسد، انتخاب این روز دارای اهمیتی در ردیف انتخاب آرم جمهوری اسلامی و پرچم رسمی و سرود ملی است. بنابراین مستلزم آنست که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد شود و مورد تصویب قرار گیرد و یا اینکه قبل از تشکیل مجلس، توسط شورای انقلاب به تصویب رسد...». بالاخره وزیر با این نظر موافقت کرد و پاسخ او که در زیر نامه مرقوم گردید چنین بود: «ماده واحده‌ای بنام شورای انقلاب تهیه شود.»

در انجام این منظور، نگارنده سه روز را به عنوان روز ملی پیشنهاد کرد. این سه روز به ترتیب عبارت بود از:

۱- روز نوروز که سابقه تاریخی و باستانی و ملی دارد و در سراسر جهان آغاز فصل به شمار می‌آید و برای همیشه ثابت است و قابل تغییر نیست. ۲- روز ۲۲ بهمن که روز قیام ملی و به ثمر رسیدن انقلاب است. ۳- روز ۱۲ فروردین که روز فراندنم و سالروز اعلام جمهوری اسلامی است.

در پی این پیشنهاد، سه نامه یکسان، خطاب به «شورای انقلاب اسلامی ایران» تهیه شد که متن آن چنین بود:  
به استحضار میرسد:

«نظر باینکه تعیین روز ملی جمهوری اسلامی ایران از نظر بین‌المللی برای وزارت امور خارجه و نمایندگیهای ایران در خارج حائز اهمیت بوده و روز ملی هر کشور نیز طبق موازین بین‌المللی فقط یک روز در سال باید باشد، بنابراین:  
وزارت امور خارجه «سه روز را» به عنوان روز ملی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌نماید تا در صورتیکه تصویب فرمایند، مراتب به نمایندگیهای سیاسی ایران در خارج ابلاغ گردد.»

پیوست: «تصویب نامه» - وزیر امور خارجه «....»

موضوع: تعیین روز ملی جمهوری اسلامی ایران

ماده واحده: شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخه ..... به پیشنهاد وزیر امور خارجه ..... را به عنوان روز ملی جمهوری اسلامی ایران تعیین و تصویب نمود.

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

نمی‌دانم در پی آن در شوری چه بحثی پیش آمد و چه دلایلی ارائه شد که در بین سه طرح تصویب‌نامه و سه روز پیشنهادی (اول فروردین - بیست و دوم بهمن و دوازدهم

۲۶۴ □ تشریفات دیپلماتیک

فروردین)، پیشنهاد دوم که بیست و دوم بهمن ماه بود، ارجح تشخیص داده شد و روز رسمی یا «روز ملی» انتخاب گردید. نگارنده نیز طی بخشنامه‌ای این روز را به عنوان روز ملی، به کلیه نمایندگیها و پست‌های کنسولی ایران در خارج ابلاغ کردم و این مشکل تشریفات بدین ترتیب حل گردید.